

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش هشتم و نهم

۱۶ می ۲۰۱۵

۳- مبارزه حزب برای استقرار مناسبات سوسیالیستی در روستا و اجرای دومین نقشه پنج ساله

حزب در عین حال که برای مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک تقدم قائل بود وظائف اقتصادی و اجتماعی مطروحه از طرف سومین کنگره را از دیده فرونگذاشت. به عکس، تحقق این وظائف را قبل از هر چیز به مثابه مسأله بزرگ سیاسی به شمار می آورد.

کاری که برای جمعی کردن پرادمانه کشاورزی انجام گرفت

حزب کار البانی بیشترین توجه خود را به جمعی کردن پرادمانه کشاورزی معطوف داشته بود. در این مورد در دو جهت کار انجام می گرفت: جهت مهمتر عبارت بود از برپا کردن کنوپراتیوهای جدید کشاورزی و جهت دیگر پذیرفتن دهقانان که تا آن روزگار برکنار مانده بودند در کنوپراتیوهای موجود. جمعی کردن، به طور عمده شامل مناطق دشت و کوهستان می شد. سازمان های حزب از هر ابتکار دهقانان برای ایجاد کئو پراتیوهای جدید با کلیه وسایل پشتیبانی می کردند و لزوماً منتظر نمی ماندند که اکثریت روستا با ایجاد کنوپراتیو اعتقاد پیدا کند. کنوپراتیوها حتی با عده قلیلی از بهره برداری های کشاورزی نیز تشکیل می شدند.

کمیته مرکزی حزب به کلیه اعضای خود و به تعداد کثیری از کادرهای حزبی و دولتی مخصوصاً مأموریت داد که به دهقانان و کمونیست های روستاها در جمعی کردن کشاورزی یاری برسانند برای تأمین تحول سوسیالیستی کشاورزی، قبل از همه بنگاهای کشاورزی دولتی به مقیاس وسیع و نه فقط آنها بلکه زحمتکشانشان بنگاهای صنعتی و ساختمانی، مؤسسات فرهنگی، سازمان های شهری حزب به حرکت در آورده شدند.

حزب به موازات توسعه جمعی کردن کشاورزی، کار عظیمی به منظور تقویت اقتصادی و سازمانی کنوپراتیوهای جدید و قدیم انجام داد. از این لحاظ تصویب اساسنامه جدید کنوپراتیوها که در دسامبر ۱۹۵۶ در سومین کنگره آنها صورت گرفت، اهمیت خاص داشت. اساسنامه مذکور مقررات اساسی زندگی درونی کنوپراتیوها، حقوق و وظائف

اعضای آنها و فعالیت اقتصادی آنها را بیش از پیش کامل کرد، حدود محوطه هر خانواده کئوپراتیو تغییر یافت و صحیح تر ترسیم شد. دولت از طریق وسائل میکانیکی و کادرها و از طریق اعتبار کشاورزی و غیره به کئوپراتیوها یاری می رسانید.

حزب در عین حال با نقایص و کمبودهایی که در کار جمعی کردن به ظهور می رسید، مبارزه می کرد. حزب این گرایش نادرست عده ای از دهقانان برخی از کمونیست های روستا را مورد نکوهش قرارداد که با ایجاد کئوپراتیو فقط بدان امید موافقت می کردند که دولت نان آنها را تأمین خواهد کرد و سایر نیازمندی های آنها را بر آورده خواهد ساخت. با گرایش دیگر مبنی بر نگهداری قطعه زمین بیشتر از اندازه مقرر در اساسنامه، نیز مبارزه شد مظاهر استفاده از شیوه های اداری در ایجاد کئوپراتیوها و نقض اصل داوطلبی هم محکوم گردید.

حزب به ویژه قوای خود را برای درهم شکستن دسائس دشمنان طبقاتی که می خواستند از جمعی کردن کشاورزی جلوگیری کنند، بسیج کرد. کولاکان که به وسیله جاسوسان اعزامی از طرف امپریالیست ها و رویونیست های یوگوسلاوی نیز تحریک می شدند به خرابکاری و انواع اغتشاش مبادرت جستند. دشمنان طبقاتی با اعلام شعار های از این قبیل دست زدند: «در تشکیل کئوپراتیو عجله نکنید. تا ۱۹۶۰ وقت باقی است»، «در کئوپراتیو از گرسنگی خواهید مرد»، «جمعی کردن فقط وسیله است که زمین دهقانان را بگیرند» و غیره. دشمنان طبقاتی در نهان دهقانان را بر می انگیزتند که به کئوپراتیوها نپیوندند. وقتی که کئوپراتیو به وجود می آمد اعضای آن را تحریک می کردند که اساسنامه را مراعت نکنند، به ناخشنودی ها دامن می زدند و می کوشیدند که بین اعضای کئوپراتیو نفاق بیفکنند. درکار تحویل اجباری به دولت اخلاص می ورزیدند و بر سر راه استفاده از وسایل میکانیزه کشاورزی مانعی می تراشیدند.

تشبثات کولاکان و سایر دشمنان خلق در اثر فعالیت حزب و شور و شوق انقلابی توده های دهقان دامنه نیافت و درهم شکسته شد. کولاکان و دشمنان به کلی منفرد ماندند و افشاء شدند. جمعی کردن کشاورزی در راهی که حزب نشان می داد و به آهنگی که حزب معین کرد، به پیش رفت. مبارزه برای جمعی کردن کشاورزی به ویژه مبارزه علیه دشمنان طبقاتی، وجدان سیاسی دهقانان را قوی تر گردانید و آنها را محکم تر به حزب پیوند داد. جنبش جمعی کردن کشاورزی به صورت مسأله سترگ سیاسی در آمد.

ولی حزب در طی جمعی کردن وسیع کشاورزی از همان نخستین سال به پدیده زیانمندی در بخش دامداری برخورد. از یک سو تعداد زیادی از دهقانان به خصوص بنابر منافع شخصی خویش در این که دام های مولد زائد خود را به کئوپراتیو بفروشند، تردید می کردند. حتی غالباً پیش از آن که وارد کئوپراتیو شوند دام های خود را می کشتند و یا می فروختند. از این جهت تعداد دام های جمعی اکثریت کئوپراتیو های جدید بسیار کم بود. از سوی دیگر کمیته های حزبی به جمعی کردن دام ها به اندازه جمعی کردن زمین ها علاقه نشان نمی دادند. بالنتیجه درحالی که جمعی کردن زمین های کشتمند به ۳۰ درصد بالغ می شد جمعی کردن گاو ها فقط ۶ درصد و گوسفندها ۱۰ درصد بود.

این وضع دامداری به اقتصاد توده ئی و سازماندهی سوسیالیستی کشاورزی زیان می رسانید. برای خاتمه دادن به این وضع تصمیمات خاصی اتخاذ شد تا آهنگ جمعی کردن دام ها همزمان با جمعی کردن زمین ها تسریع شود و دامداری و به ویژه گوسفند داری و گاوداری توسعه و بهبود یابد.

حزب از تجارب نخستین سال جمعی کردن دامنه دار کشاورزی نتایج دیگری نیز به دست آورد. حزب مظاهر رضایت از خود را که در نزد عده ای از کمونیست ها دیده می شد فاش ساخت و به همگان سفارش کرد که از موفقیت سرمست نشوند. تصمیمات به منظور اشاعه و تصمیم تجارب جمعی کردن کشاورزی اتخاذ گردید. به ویژه دولت توجه کرد با این که کمک خود را به کئوپراتیو ها از طریق مراکز ماشین و تراکتور، بنگاهای کشاورزی دولتی، اعتبارات

کشاورزی، تحویل بذر مرغوب و چارپایان اصیل بهتر سازمان دهد. در ۱۹۵۷ کشت درختان میوه دار، موزیتون، بسط داده شد تا اقتصاد کئوپراتیو با این طریق تقویه شود.

کمیته مرکزی مسأله ارتقاء سطح کاردانی و تکثیری سریع تعداد کادرها را در مجموعه اقتصاد توده ئی مورد بررسی قرار داد و توجه خاصی به پرورش کادرهائی که می بایست درکشاورزی سوسیالیستی کارکنند معطوف داشت. عده دیگری از کمونیست ها و متخصصان کشاورزی که در ادارات دولتی و دستگاه های حزبی کار می کردند به روستاها اعزام گردیدند تا در کئوپراتیو های کشاورزی به کار بپردازند.

سال ۱۹۵۷ چرخش قطعی در جمعی کردن کشاورزی به وجود آمد. مساحت اراضی جمعی شده در سراسر کشور بر ۵۸ درصد اراضی بهره برداری های روستائی بالغ گردید. دهات بسیاری تماماً به کئوپراتیو تبدیل شد. در برخی از ناحیه ها جمعی کردن کشاورزی شامل ۹۰ درصد اراضی بهره برداری های روستائی شد. در ولوراء، بیلشست، کولونوا، سربیک سارامدا، و غیره کئوپراتیو های کشاورزی در کلیه دهات بر پا گردید.

بخشی سوسیالیستی در کشاورزی تسلط یافت. در ۱۹۵۷ حصه بخش سوسیالیستی در مجموعه تولید غلات که از آنها نان ساخته می شود قریب یکی بر سه بود و در تولید پنبه سه بر چهار و در تولید چغندر قند نود درصد. وضع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاها باز هم بهتر شد. و این کامیابی ها تضمین محکمی بود برای این امر که جمعی کردن به بهروزی خواهد انجامید.

ادامه دارد...